

در چهار چوب فستیوال مشرق زمین به تاریخ 30 سپتامبر امسال در شهر اوزنابوروک آلمان در گیری لفظی میان هنریک بورو در و پروفسور محسن مسرت بوجود آمد که به توهین از طرف بورو در به محسن مسرت انجامید. در زیر موضع گیری پروفسور مسرت را که برای مطبوعات نوشته می خوانید:

بیانیه پروفسور محسن مسرت

درباره‌ی اظهارات توهین‌آمیز "هنریک ام. بورو در" (Henryk M. Broder) (به مناسبت میزدگرد بحث در خصوص «منزوی کردن یا تغییر از طریق نزدیکی»)
در چهار چوب فستیوال مشرق زمین به تاریخ 30 سپتامبر 2008
در شهر اوزنابوروک آلمان

"بورودر" با حضورش در میزگرد این بحث با اظهارات غیرکارشناسانه‌ی خود نه تنها من را مورد توهین قرار داد بلکه خانم کریستینه هو فمان، ژورنالیست روزنامه‌ی فرانکفورتر الگمانیه و آقای مارتین ابینگ که به عنوان ژورنالیست در ایران زندگی می‌کند به عنوان افراد ساده‌لوح و کور و «تمام روشنفکران آلمانی» به عنوان کسانی که «به تمامیت گرایی گرایش دارند» و همچنین پروفسور او دو استاین‌باخ، کارشناس اسلام و شرق را به عنوان «همستان رژیم ملاها» مورد اهانت قرار داد. همه‌ی اطلاعات واقعی و استدلالات منطقی شرکت‌کنندگان میزگرد درباره‌ی ایران که آشکارا در تقابل با تصویر خشن‌ناپذیر او از ایران قرار گرفته بودند، با کلیشه‌ی سیاه و سفید "بورودر" سازگار نبودند. سالهاست که او با صرف انرژی بسیار تلاش می‌کند تصویر ویژه‌ای از ایران بسازد: رژیمش تمامیت گرا و با رژیم نازی قابل قیاس است و رئیس جمهورش که تبلور چهره ایران نیز می‌باشد یک هیتلر جدید است.

فستیوال مشرق زمین در اوزنابوروک که سال گذشته به همراه ارکستر سمفونی اوزنابوروک در تهران برگزار شد و همچنین انعکاس وسیع بین‌المللی آن، تصویر جعلی "بورودر" را که «ایران را مانند آلمان نازی» معرفی می‌کرد خدشدار نمود و به همین سبب این فستیوال هدف حملات او قرار گرفت.

به اعتقاد من تبادل فرهنگی خلاق با ایران یک راه عملی و ارزشمند است و از این طریق می‌توان به مقابله با اهربینی جلوه دادن سرزمینی برخاست که از یک سو به دلیل سیاست‌های پر ضرر دولت آن و از سوی دیگر، از خارج به انزوا کشیده شده است. با این مقایسه‌های نادرست تاریخی یک بخش از رسانه‌های آلمانی و بین‌المللی و افرادی چون "بورودر" در صدد هستند، عملاً نه تنها فاشیسم هیتلری را بخطر جلوه می‌دهند بلکه با اهربینی جلوه دادن کشور ایران، زمینه‌های روانی را برای جنگ آمریکا و اسرائیل علیه آن فراهم می‌سازند. در این رابطه همه‌ی مخالفان چنین جنگی، به همdest بودن با دولت ایران متهم می‌شوند. همdest با دشمن یک مفهوم کلیشه‌ای است که "بورودر" در اغلب موضع علیه کارشناسان و ژورنالیست دگراندیش به کار می‌برد. منبع این مفهوم کلیشه‌ای از

آن فر هنگنامه‌های نازی‌ها سرچشمه می‌گیرد که آنها برای تدارک و آمادگی روانی جنگ علیه همسایگان خود به کار می‌برند دقیقاً همین اهریمنی کردن یهودیان در آلمان نازی بود که تصویر جعلی یهودی را به عنوان انسان پستتر جا انداخت و بدینگونه توانست نخستین و تعیین‌کننده‌ترین گام را به سوی هولوکاست بردارد. دقیقاً همین فرآیند ظریف غیر انسان جلوه دادن یهودیان بود که توانست حس انسان دوستی مردم آلمان را در قبال آنها کورکند و بربریت و جنایت خود را توجیه نماید. این شیوه‌ی برچسبزنی یک خصلت اساسی از تفکر تمامیت گرایی است و به همین دلیل نیز از گفتمان‌های کشورهای دموکراتیک بیرون رانده شده است. "بورودر" در مقابل مضمون و نقش مکارانه او در گفتمان‌هایش در آلمان به جز توهین به چیز دیگر متول نشده است.

او مدت‌ها پیش نیز افراد دیگری مانند اولین هج گالینسکی (دختر هاینس کالینسکی، رئیس سابق و فقید جامعه یهودیان آلمان) که سیاست کنونی دولت اسرائیل را در رابطه با فلسطینی‌ها مورد نقد قرار داده بود، با عباراتی مانند «زن خانه‌ار هیستریک محتاج به اعتبار» مورد اهانت قرار داد. من نیز مانند خانم هج- گالینسکی اظهارات توهین‌آمیز بورودر را به لحاظ حقوقی دنبال خواهم کرد تا با ابزار حقوقی جلوی این انسان حق به جانب که آشکارا خود را از هفت دولت آزاد می‌داند و فر هنگ سیاسی گفتمان در آلمان را مسموم می‌کند، گرفته شود. حال این پرسش طرح می‌شود که آیا دعوت یک چنین فرد انگشت‌نما و اصلاح‌ناپذیر که مخالف، گفتوگو و تبادل فرهنگی است با اهداف فستیوال مشرق زمین سازگار بوده است.

اوزنابورک 2 اکتبر 2008